

اذگیزه نامه (Motivation Letter)

حامد ناظری - شهریور ۱۴۰۳

• انگیزه ام برای کار توی شاخه علوم و مهندسی کامپیوتر چیه؟

منشاء این انگیزه میتونه خلاقیت و آزادی عملی که در این بستر نهفتست باشه. از سن پایین تر تابستون ها سر کار بودم و به کار های پدرم که به همین رشته مرتبط بود هم کمک میکردم. گویا استعدادش رو داشتم بنابراین هنگام انتخاب رشته مورد بهتری جز رشته "شبکه و نرم افزار" پیدا نکردم.

از آزادی عمل به حوضه های کاری در دسترس میشه اشاره کرد که قابل ستایشه. اولین باری که به این حرفه به چشم شغل جدی نگاه کردم هدفم فعالیت در بخش سخت افزار بود. هر چند شاید موفقیت آمیز نبود اما بدون حاصل هم نبود. بعدش احساس کردم که گرافیک میتونه اون جایی باشه که من میتونم توش موفق بشم. تا حدودی موفق بودم اما احساس کمبود و همینطور ضعف هنری که پاشنه آشیل ماجراست موجب شد که بفهمم تنها ابزار قرار نیست نجاتم بده در نتیجه اون رو هم گذاشتم کنار. بعد که وارد هنرستان شدم موجب شد دید گسترده تری به فعالیت توی این حوضه داشته باشم. پس با توجه به پیشینه قبلی تصمیم گرفتم که در UI و UX فعالیت کنم که گویا زود تر از اینکه با شکست مواجه بشم متوجه شدم که مهارت های نرم یا soft-skills واقعا جایگاه ارجمندی رو توی این حرفه داراست و من این مهارت رو دارا نیستم.

شاید پس از گذشت ۲ سال تازه به نسبت راه و چاه رو فهمیدم و تونستم خودم رو ارزیابی کنم. بعد از این همه بالا و پایین و مشورت با دوتا از بهترین دوستانم (محمد و علیرضا) فهمیدم که گویا برنامه نویسی هم راه بد و ترسناکی نیست! همین شده که میخوام مسیر شغلیم رو برنامه نویسی وب انتخاب کنم.

• معیار هام برای انتخاب یک مسیر شغلی چیه؟

بنظرم یکی از تاثیر گذارترین مجموعه پارامتر ها برای ارزیابی میشه به هویت اشاره کرد. پس قبل از جواب دادن به این سوال بهتره پرسید : من کیستم؟

فردی تقریبا اجتماعی با خلق و خوی منتقد و شاید هم تند به همراه چاشنی هنری. علاقه مند به کامپیوتر و کامیونیتی جالب انگیزش.

با توجه به این جزئیات و غیره فهمیدم که اگر بخوام مسیری رو هم فعالیت داشته باشم برنامه نویسی یکی از مناسب ترین مسیرهایی هست که برای من در دسترسه.

• دیدگاهم برای تحصیل چیه؟

تحصیل آکادمیک در رشته ای که میخوام کار کنم برام ارزشمند اما گویا بی اهمیت تلقی میشه. بخشی از این اتفاق به دلیل گمراهیه دامن گیر هنرستان امیرکبیر و دانش آموزش شده که هنوز هم یک علامت سوال بزرگ هم هست. بخش دیگه هم که متشکل از بازخورد منفی از دانشگاه های کامپیوتر ایران هست که برگرفته از نظام آموزشی معیوب و مخروبه هست که نمیشه کاریش کرد. به هر حال به خاطر سربازی هم که شده توی این رشته به تحصیل ادامه میدم ولی به اجبار. شایدم برای مهاجرت.

البته تحصیل حرفه ای برام حائز اهمیت بوده و هست. قطعاً اگر قرار باشه یک چیز زندگی من رو بچرخونه مهارته که از فراگرفتنش دریغ نمیکنم.